

# کورش ذوالقرنین، شخصیتی است جهانی

دیدگاه های دکتر فریدون جنیدی مدیر بنیاد نیشابور درباره ۱۲ قرن سکوت  
روزنامه عصر آزادی دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۸۱

دکتر فریدون جنیدی، پژوهشگر و باستان‌پژوه در گفتگو با خبرنگار هنری ایسنا به تشریح دیدگاههای خود در ارتباط با چاپ کتاب ۱۲ قرن سکوت پرداخت.

دکتر فریدون جنیدی، استاد دانشگاه و مدیر بنیاد پژوهشی نیشابور در گفتگو با ایسنا در ارتباط با مطلبی مبنی بر ادعای مؤلف کتاب ۱۲ قرن سکوت که سلطنت پرستان، ناسیونالیست‌ها و نان‌خورهای کوروش این کتاب را لعنت خواهند کرد، گفت: کوروشی که در ۲۵۰۰ سال پیش مرده است، امروز نمی‌تواند به کسی نان بدهد، ممکن است منتقدانی در صدد نقد و بررسی کتاب فوق برآیند که وابسته به هیچ کدام از تقسیم‌بندی‌های فوق نباشند. بنابراین تقسیم‌بندی بالا به نحوی شعارگونه انجام شده و مؤلف ۱۲ قرن سکوت، مرزهایی را مشخص کرده است تا هیچ کس بدلیل واقع نشدن در مظان اتهام، نتواند به او جواب دهد.

وی ادامه داد: این کتاب دارای تناقضات بسیار بوده و کاملاً غیرعلمی تنظیم شده و پاسخ‌دهنده آن بزودی از طرف جامعه فرهنگی کشور بانام اعتبار باستان‌شناسی پارس و هخامنشی ارائه خواهد شد، چون کوروش شخصیتی است که بزرگان جهان او را ستایش کرده و نام او در کتاب‌های آسمانی نیز ذکر شده است. به گونه‌ای که مولانا ابوالکلام آزاد از وی به عنوان ذوالقرنین نام برده و این مسأله را به اثبات رسانده است؛ چرا که کوروش نخستین فرمانروایی است که تغییر سلطنت را با خونریزی آغاز نکرده است، بنابراین اتهام بستن به این شخصیت امر شایسته‌ای نیست.

وی افزود: کار علمی با شعار و با سخنان بی‌سروته سامان نمی‌پذیرد؛ درحالی که مؤلف کتاب ۱۲ قرن سکوت این امر را آغاز کرده و برای این که منتقدان این کتاب را نقد نکنند، آنها را در ۳ گروه سلطنت پرستان، ناسیونالیست‌ها و نان‌خورهای کوروش تقسیم‌بندی کرده است.

دکتر فریدون جنیدی در ارتباط با چاپ مطلبی در کتاب ۱۲ قرن سکوت تحت عنوان عدم رشد ملی در حکومت ۱۲۰۰ ساله سلسله‌های تاریخی گفت: پژوهشگرانی که قصد بررسی هنر ایران را دارند، بایستی به موزه‌های بزرگ جهان همچون لوور و ارمیتاژ مراجعه کنند تا دست آوردهای علمی و هنری را در این ۱۲ سده که در گنجینه‌های معتبر دنیا به نمایش درآمده مشاهده کنند؛ بنابراین ادعای عدم رشد ملی در سلسله‌های تاریخی کاملاً رد شده است، چون وقتی هنر وجود دارد، فرهنگ نیز پویا می‌شود و به تبع آن رشد ملی نیز به وجود می‌آید.

وی ادامه داد: چگونه می‌توان عظمت هنری آثار هنرمندان ایرانی را در طول ۱۲۰۰ سال نادیده گرفت، درحالی که این آثار با شاخص‌های هنری خود معرف عصر خود هستند. از سوی دیگر، مؤلف ۱۲ قرن سکوت ۱۲۰۰ سال را متعلق به حکومت‌های هخامنشی، پارتی و ساسانی دانسته و آنها را غیر بومی و غیر ایرانی ذکر کرده است؛ پس در این میان مدت زمان حکومت سلوکی‌ها چه می‌شود ایشان آن را

کاملاً نادیده گرفته است لذا اگر این مؤلف در کار خود صداقت داشت باید مدت زمان حکومت سلوکی ها را که قومی کاملاً بیگانه بوده اند، ذکر می کرد، درحالی که وی این کار را انجام نداده است.

وی افزود: چشم پوشی از حکومت سلوکی ها یک امر هدایت شده است چرا که ازسلسله های تاریخی بعنوان حکومت های غیر بومی یاد شده، ولی از سلوکی های غیر بومی اصلاً نامی به میان نیامده است و این امر دریک تحقیق علمی به هیچ وجه کار درستی نیست.

مدیر بنیاد پژوهشی نیشابور پیرامون بی اعتبار دانستن کتیبه های هخامنشی ازسوی مؤلف ۱۲ قرن سکوت، یادآور شد: چگونه ممکن است اسنادی را که درطول تاریخ برفراز کوه ها ویا تخت جمشید بوده اند، بی اعتبار دانست؟ ممکن است که ما این گونه قضاوت کنیم که داریوش برعلیه کمبوجیه یا بردیا کودتا کرده است، ولی ازاین مسأله نیز نمی توان چشم پوشی کرد که داریوش سلسله ای را پایه گذاری کرد که با مرکزیت اداری وسیاسی ایران برجهان حکم رانده است.

وی افزود: درهیچ نقطه ای ازجهان مدارک معتبری وجودندارد تا نشان دهد که فرم پوشاک مردم هند و روم وسایر کشورها در ۲۵۰۰ سال پیش چگونه بوده است، درحالی که این امر به وضوح درتخت جمشید قابل مشاهده است، پس چطورمی توان این اسناد را بی اعتبارجلوه داد؟

وی ادامه داد: طی سالهای اخیر لوحه های گلین ازپرسپولیس به دست آمده که نحوه پرداخت دستمزد کارگران رانشان می دهد وبرای اولین بار نویسنده ای غربی در همین زمینه کتابی به نام ”از زبان داریوش“ نوشت که توسط انتشارات مؤلف ۱۲ قرن سکوت چاپ شده و پورپیرار در این کتاب مقدمه ای نوشته است که به طور کامل باسخنان امروزش متناقض است.

دکتر فریدون جنیدی درارتباط با ترجمه کلمه اورمزد به جای اهورامزدا در ”دوازده قرن سکوت“ گفت: مؤلف این کتاب از روی ناآگاهی دراین زمینه صحبت کرده است، چون ”اورمزد“ تلفظ فارسی اهورامزدا می باشد که اهورامزدا درزبان پهلوی به ”اوهرمزد“ و سپس درتلفظ فارسی به ”اورمزد“ تبدیل شده است وبه تنهایی فاقد بار معنایی است.

وی افزود بنابراین ”اورمزد“ شکل تغییر یافته اهورامزدای باستانی است که متأسفانه ناصر پورپیرار فقط ازروی اندیشه ها و برداشت های خودبهره برداری کرده و این کلمه را بار معنایی دیگری داده است. اگر کتاب ”گات های زرتشت“ را مطالعه کنید، متوجه می شوید که کلمات مزدا، اهورا، مزدا اهورا و اهورامزدا دراین بخش وجوددارند و گات ها از کهن ترین اسناد مکتوب آریایی است که همزمان با وداهای هندبوده است؛ ما کلمه اهورا را درزبان سانسکریت به صورت ”اسوره“ مشاهده می کنیم، لذا ادعای مؤلف دوازده قرن سکوت درست نبوده و باید خط بطلان قرمز برروی همه این گفته ها کشید.

مدیر بنیاد پژوهشی نیشابور درارتباط با ادعای پورپیرار مبنی بر اینکه هخامنشیان دست نشانده قوم یهود هستند، گفت:

یهودیان خود به صراحت معترفند که توسط کوروش آزاد شده اند و خرد انسانی اقتضا نمی کند که ناجی دست نشانده نجات یافته باشد، درلوحه ای هم که ازبابل به دست آمده ، حتی ازخدایانی که بابلی ها به زور از شهرهای مختلف گرفته اند ، نام برده شده و صراحتاً دستور داده شده است تا این ها را به شهرهای خود بازگردانند.

وی افزود : این امر در مورد اقوام یهود هم صادق است چون کوروش از هزینه ایران معابد آنها را بازسازی کرده است ؛ پس چگونه امکان دارد که هخامنشیان تحت نفوذ یهودیان بوده باشند. دکتر فریدون جنیدی در ادامه گفتگو با خبرنگار هنری خیرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) پیرامون مطلبی عنوان شده در ۱۲ قرن سکوت مبنی بر عدم ارتباط نقوش آتشدان های سکه ها با دین ساسانی و تبلیغ این دین با زور سرنیزه یادآور شد: دین زرتشت هیچ گاه با زور تبلیغ نشده و از مرزهای ایران فراتر نرفته است، چون اگر قرار بود هخامنشیان و ساسانیان دین خود را به زور عرضه کنند ، با توجه به قدرت سیاسی و نظامی خود، قادر بودند به راحتی دیگران را به پذیرش دین زرتشت وادار کنند، در صورتی که این امر هیچگاه جامه عمل به خود نپوشیده است.

وی افزود: در گات ها بندی وجود دارد که می گوید: ”من اندیشه نیک ، گفتار نیک و کردار نیک را می ستایم و می ستایم دین بهی مزدیسنا را که به دور افکننده سلاح بوده و مخالف جنگ و خونریزی و پیوند دهنده جهانیان است“، لذا این دین با توجه به این آموزه های مذهبی، نمی تواند با اسلحه و تازیانه گسترش یابد، از طرف دیگر در زمان ساسانیان ۵۴ کلیسای اسقف نشین در ایران وجود داشتند که اگر قرار بود ساسانیان با آنان مبارزه کنند، اصلاً از مسیحیان نشانی باقی نمی ماند؛ پس این امر نشان می دهد در شهرهای ایران آزادی و تبلیغ دین وجود داشته و داوری ناصر پورپیرار در این زمینه کاملاً بدون دلیل و بی اعتبار است. مدیر بنیاد پژوهشی نیشابور در ارتباط با ادعاهای مؤلف ۱۲ قرن سکوت، مبنی بر جعلی بودن کتیبه های آریارمنه و ارشام خاطر نشان کرد: این امر ادعایی است که فقط از سوی پورپیرار مطرح شده و ایشان باید دلایل و مدارک خود را ارائه کنند، چون در شرایطی که تمامی باستان شناسان و مورخان جهانی این مدارک را مستند می دانند، وی باید مشخص کند که آیا بعد از ۲۵۰۰ سال، جعلی بودن این کتیبه ها به وی الهام شده و یا ایشان مدارک دیگری در اختیار دارند.

وی همچنین در خصوص سرزمین پارسه گفت: سرزمین فارس در منابع یونان، ایتالیا و حتی مدارک موجود غربی به این نام شناخته و جهان متمدن باستان از آن به عنوان پارس نام برده اند، پس چطور می توان مدعی بود که ما هیچ مدرکی نداریم، افزون بر این در کتیبه های آشوری برای نخستین بار از حکومت ”پارسوآش“ در آذربایجان خبر داده شده است ، در حالی که ناصر پورپیرار این مدارک را نادیده گرفته و علیه این مدارک سخن گفته است .

مدیر بنیاد پژوهشی نیشابور پیرامون مطرح ساختن ”آشوربانی پال“ به عنوان یک چهره فرهنگی از سوی مؤلف ۱۲ قرن سکوت تصریح کرد: کتیبه های آشوری خود به صراحت از جنایات و فجایع خود داد سخن

داده اند و این امر را به صورت مکتوب و مصور از خود به یادگار گذاشته اند و حتی تصویری در کتیبه های آشوری وجود دارد که تخریب معبد موساسیر ایران را نشان داده است. این امر نشان میدهد، پورپیرار هیچ کتابی راجع به تمدن آشور و اورارتو مطالعه نکرده و قضاوت او سطحی و بی پایه است.

دکتر جنیدی در ارتباط با بی اعتبار دانستن اسناد هخامنشی در کتاب ۱۲ قرن سکوت گفت چه کسی این اسناد را بی اعتبار تشخیص داده است؟ وقتی دانشمندان بزرگ جهان با امکانات علمی و تجهیزات پیشرفته خود صحت این مدارک را تأیید میکنند، چطور پورپیرار مدعی بی اعتبار بودن آنها شده است؟ چگونه است که وی باستان شناسان جهان را لغو کرده و نسبت هایی را به آنها روا داشته، ولی در برخی منابع کتاب خود از دستاوردهای علم باستان شناسی بهره جسته و مستند سازی کرده است؟ وی افزود: این کتاب نه بر اساس مدارک علمی، بلکه برای ایجاد هیاهو نوشته شده است مؤلف آن صلاحیت این کار را ندارد و باید از ایشان پرسید شما که تمام مدارک و گفته های دانشمندان و زبان شناسان را رد میکنید دارای چه مدرک دانشگاهی هستید، در کجا تدریس کرده اید و مبنای گفته های شما کدام مأخذ است؟

مدیر بنیاد پژوهشی نیشابور همچنین پیرامون غیربومی دانستن سلسله های تاریخی در "۱۲ قرن سکوت"، تصریح کرد: این سخن پراز تشویش و هیاهو است. چون نام ایران در کتیبه های داریوش قابل مشاهده است و در شاهنامه فردوسی نیز این سلسله ها ایرانی شمرده شده اند.

وی افزود: سنگ نبشته های آشوری نیز پارسوآش ها را ایرانی دانسته و ساسانیان نیز همه جا خود را ایرانی معرفی کرده اند. لذا در طول تاریخ هیچ مدرکی مبنی بر ایرانی نبودن سلسله های تاریخی بجز گفته های ناصر پورپیرار وجود ندارد.

دکتر فریدون جنیدی در پایان خاطر نشان کرد: این کتاب برای ایجاد هیاهو نوشته شده و به طور حتم در عرصه پژوهش های بین المللی و علمی جایی ندارد، چون فرهنگ و تمدن ایران موضوعی جهانی است و چاپ کتبی همچون ۱۲ قرن سکوت، نمی تواند این حقیقت درخشان را کتمان کند.

\*\*\*

میدان دادن به نویسنده کتاب ۱۲ قرن سکوت کار درستی نیست و در واقع بزرگ کردن او است. دکتر غلامرضا وطن دوست، استاد بخش تاریخ دانشگاه شیراز با بیان این مطلب به خبرنگار ایسنا، گفت: توجه داشته باشیم، وقتی ترک ها و عرب ها کتاب را ترجمه، چاپ و روی آن تبلیغ وسیع کرده اند و بوش ما را محور شرارت می خواند و بعضی ها ما را زیر سؤال می برند و تروریست می خوانند، وزارت خارجه باید نگران این قضیه باشد، واقعاً وزارت خارجه چه می کند؟

وی از این وزارتخانه خواست که با همکاری وزارت ارشاد و در یک اقدام هماهنگ از چند استادی که در این زمینه تخصص دارند، پاسخ علمی و مستند بدهند، چرا که اگر بد دفاع شود، ضررش بیشتر است. وی ناصر پورپیرار را فردی ماجراجو دانست و گفت: اصلاً نمی توان نام وی را مورخ گذاشت.

دکتر وطن دوست تأکید کرد: پاسخ به کتاب مذکور صرفاً به دلیل تبعات خطرناکی که در خارج دارد ضرورت دارد، و گرنه کل کتاب غلط و بی پایه و بی اساس است و مانور دادن بر روی آن بزرگ کردن نویسنده آن است.

مؤلف کتاب اسناد سازمان سیا، در پایان ضمن انتقاد از صدا و سیما گفت: چرا تلویزیون این همه کتاب خوب و علمی را که چاپ می شود نقد نمی کند، اما به چنین فردی میدان میدهد تا ساعت ها بحث و گفتگو کند.

\*\*\*

تخریب هر مسأله ای ، بدون هیچگونه سند و استناد، کار آسانی است و هر آدم بیسوادی هم می تواند مدعی این حرفها باشد.

دکتر سلیم نویسنده و استاد سابق دانشگاه در گفتگو با خبرنگار هنری ایسنا با اعلام خبر فوق افزود: نسبت دادن حکومت هخامنشیان به قوم یهود و نسبت دادن اتهامات ناروا به کوروش، بهیچ وجه با مستندات تاریخی و باستان شناسی تعامل ندارد و ازدیدگاه من، نباید چندان به این نوشته اهمیتی داد، چون ادعاهای مؤلف ۱۲ قرن سکوت، چنان بی پایه و بی سند است که هیچ یک از اساتید تاریخ و باستان شناسی، حتی حاضر به تکذیب آن نشدند.

وی ادامه داد: کتیبه بیستون برخلاف ادعای ناصر پورپیرار، مبنی بر بی اعتبار بودن، کاملاً مستند است و در تورات نیز از کوروش به عنوان آزادی بخش قوم یهود یاد شده است ، من نمی دانم چگونه قومی که توسط اقوام پارس نجات یافته است، حکومت دست نشانده ای همچون هخامنشی را بر سر کار آورده است. البته در این نکته که همه اقوام و حکومت های گذشته دارای پادشاهانی خود کامه بوده اند شکی نیست. ولی در این نکته هم که حکومت هخامنشیان تاحدی نیز به فکر مردم بوده اند ، شکی نیست.

وی افزود: پیدایش حکومت های جمهوری بعد از انقلاب کبیر فرانسه بوده و به غیر از آتن که یک دوره دارای نوعی حکومت جمهوری (اریستوکراسی) بوده، بقیه جوامع دارای رژیم سلطنتی بوده اند، پس تمام تاریخ را رد کردن آن هم بدون دلیل، هنر چندان نمی خواهد و مؤلف ۱۲ قرن سکوت حتی چند دلیل قانع کننده که طبقه عادی نیز آنرا بپذیرند نیاورده است. در این زمینه، عرب ها مثلی دارند که می گویند، مخالفت کن تا شناخته شوی (خالف تعرف) و پورپیرار نیز چون راه دیگری برای مطرح شدن نداشته، طریق مخالفت را برای شناخته شدن انتخاب کرده است.

دکتر سلیم با بیان این مطلب که به هیچ وجه ادعای مؤلف ۱۲ قرن سکوت را مبنی بر این که هخامنشیان برگ تازه ای از قوم یهود هستند، را قبول ندارد گفت: وقتی داریوش در کتیبه بیستون از اهورامزدا به عنوان خدای بزرگ ایرانیان نام می برد و قبل از او نیز کوروش با فتح بابل یهودیان در بند را آزاد کرده است، پس چگونه ممکن است هخامنشیان دست نشانده یهود باشند، این که دلیل بر یهودی بودن هخامنشیان نمی شود، بلکه به آزاد مردی و آزاد منشی کوروش بازمی گردد که علاقه داشت همه در آزادی نسبی زندگی کنند.

وی افزود: هیچ یک از پادشاهان هخامنشی، نامی از حضرت موسی (ع) نبرده اند، ولی نام اهورامزدا در کتیبه های آنها به چشم می خورد، هر چند که هخامنشیان زرتشتی دقیقی هم نبوده اند، چون هنوز مشخص نیست که زرتشت در چه زمانی ظهور کرده است، چون مدارک ظهور زرتشت از ۷ هزار سال تا ۶۵۰ قبل از میلاد در نوسان می باشد. البته تواریخ قابل اتکا به سال ۶۵۰ قبل از میلاد بازمی گردد. برخی ها نیز اعتقاد دارند، زرتشت پیامبر نیست، بلکه یک مصلح اجتماعی است، اما به هر حال نمی توان پذیرفت که هخامنشیان یهودی بوده اند.

وی ادامه داد: هدف های کتاب ۱۲ قرن سکوت آن قدر سخیف است که از همکاران ما کسی حاضر نشد در مقابل آن چیزی بنویسد چون بسیاری مورخان خارجی و داخلی با استناد به مدارک و داده های تاریخی و باستان شناسی، وجود این سلسله ها را به اثبات رسانده اند، به گونه ای که "کامرون" حدود ۶۰ سال پیش، بسیاری از کتیبه های دوره هخامنشی را با خود به آمریکا برد و بیش از ۲ هزار کتیبه را ترجمه کرده مطالعات و بررسی های انجام شده بر روی این کتیبه ها نشان داد که در ایران بردگی به شکل رایج باستان وجود نداشته و کارگران نیز دستمزد می گرفته اند.

وی افزود: حکومت ایران هر چند دیکتاتوری بوده، ولی هیچ وقت در ارتباط با یهودیان نبوده است، بنابر این وجود قبور برخی از پیامبران بنی اسرائیل نیز، نمی تواند دلیلی بر یهودی بودن اقوام پارس تلقی شود، من در کتاب "تاریخ تحولات جامعه ایران" توضیح داده ام که وجه تسمیه نام هایی مثل مسجد سلیمان، مادر سلیمان و... جهت تقدیس بناها و جلوگیری از تخریب آنها بوده است.

این استاد سابق دانشگاه در ارتباط با ادعای ناصر پورپیرار مبنی بر عدم وجود شهر پارسه تصریح کرد: پارس ها، پارت ها و مادها ۳ قوم بزرگی بودند که از حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد در سه نقطه مختلف جغرافیایی ایران زندگی کردند و بعدها نیز به حکومت دست یافتند. البته برخی محققین نیز اعتقاد دارند، موطن اصلی آریایی ها را از جنوب روسیه رد کرده اند، آنها این گونه استناد می کنند که ایران امروز، سرزمین اصلی آریایی ها می باشد، ولی در گذشته وسعت آن بیشتر بوده است.

وی همچنین رد اسناد هخامنشی توسط مؤلف ۱۲ قرن سکوت را فاقد اعتبار علمی و باستان شناسی دانست و خاطر نشان کرد: علاوه بر اندیشمندان و تاریخ دانان غربی، محققان داخلی نیز همچون عباس اقبال، عبدالحسین زرین کوب، دکتر مقدم و... بر اصالت تاریخ هخامنشی و نژاد آریایی تأکید دارند، هر چند که خود ما نیز چندان بمکتوبات هرودوت، توجهی نداریم، ولی باید توجه داشت، قبل از هرودوت، مورخینی همچون هکاته، کتزیاس و غیره وجود دارند که تاریخ هخامنشیان و سرگذشت کوروش را تحریر کرده اند. پس اگر پورپیرار مدعی است که ما مدرک معتبر در مورد هخامنشیان نداریم، بهتر است آثار این مورخان را مطالعه کند.

دکتر غلامرضا سلیم در ادامه پیرامون مطلبی از ۱۲ قرن سکوت که نسب داریوش را در کتیبه بیستون بی اعتبار دانسته، یادآور شد: نسب کوروش با ۶ پشت به هخامنش می رسد. کتیبه بیستون یک سند محکم و

قابل اتکاء است و پورپیرار هم که این نسب نامه را بی اعتبار دانسته ، باید مستندات و مدارک خود را ارائه کند.

وی افزود : ۱۲ قرن سکوت مدعی است که سلسله های تاریخی غیر ایرانی و یهودی بوده اند، درحالی که دلایل فراوانی بر رد این نظریه وجود دارد و ازدیدگاه من، وی را باتوجه به سوابق خاصی که دارد تشویق به نگارش این کتاب کرده اند تا از آن بهره برداری سیاسی کنند چرا که مطالب و تاریخ دوره هخامنشی، کاملاً مستند و غیر قابل انکار است.

دکتر غلامرضا سلیم، در پایان با تأکید بر این نکته که برخلاف ادعای ناصر پورپیرار مبنی بر پایان رشد ملی دردوره های تاریخی با تأکید بر این نکته که برخلاف ادعای ناصر پورپیرار مبنی بر پایان رشد ملی در دوره های تاریخی با تأکید بر این که هخامنشیان حیات مردمی را تقویت کرده اند، تصریح کرد: هخامنشیان حیات مردمی را تقویت کرده اند ، تصریح کرد : هخامنشیان با سیستم اداره ایالات خویش ، درس بزرگی به ملت های بزرگ دنیا داده اند که برخی از آنها هنوز مورد توجه و پیروی علمای بزرگ سیاسی جهان بوده و هست، چون آنها در بین ملت ها، نوعی آزادی نسبی پدید آورده و کنفدراسیونی را مبتنی بر حکومت مرکزی به وجود آوردند که این امر مورد توجه کشورهای بزرگ دنیا همچون آمریکا، هند و چین هم هست .

\*\*\*

ناصر پورپیرار در کتاب به نام ” از زبان داریوش “ که نویسنده آن پروفیسور ” هاییدی ماری کخ “ بوده و من آن را ترجمه کرده ام، مقدمه ای نوشت و در آن کوروش و داریوش را تأیید کرده و آنها را مایه شناسایی فرهنگ ایران در جهان معرفی کرده است .

دکتر پرویز رجبی ، ایران شناس، نویسنده و استاد سابق دانشگاه که با خبرنگار هنری ایسنا سخن می گفت با اعلام خبر فوق افزود: تألیف ۱۲ قرن سکوت با توجه به نوشته های قبلی پورپیرار ، نشان می دهد که وی انسان مغرضی بوده و من نمی دانم در زندگی او چه اتفاقی افتاده که او به تمام آگاهی هایی که از ایران باستان داشته پشت پا زده است.

وی ادامه داد: آن چه راجع به دوران ایران باستان و سلسله های تاریخی ایران در این کتاب تحریر شده ، به لحاظ عاطفی، ملی و میهنی قابل دفاع نیست و مشخص است که نویسنده آن سعی داشته، نه با اسناد علمی، بلکه با بهانه های معلق در هوا و پوچ کتاب خود را تحریر کند، هرچند که خود پورپیرار بهتر به این نکته واقف است که بیشتر دانسته های ما درباره ایران باستان، حاصل تحقیقات مستشرقین و اندیشمندان غربی است و من به عنوان ایران شناس معترف هستم که محققان ایرانی در این مورد فعالیت های چشمگیری نداشته اند.



این ایران شناس افزود: چطور مؤلف ۱۲ قرن سکوت پژوهش‌های اندیشمندان غربی را رد می‌کند، ولی نوشته‌های خود را براساس تحقیقات آنها مستند سازی می‌کند. او هر جا سخنی را که مطابق میل خود می‌باشد، نقل کرده و هر جا که نکته‌ای باب میل او نبوده، بدون این که پس و پیش نقل قول را به اطلاع مخاطب برساند، آن را رد کرده است، با این حساب، خوانندگان غیرمتخصص، نقل قولی را مطالعه می‌کنند که معلوم نیست بر مبنای چه مبتدایی آغاز شده است؛ چون پورپیرار از هر صفحه، یک پاراگراف برداشته و با استناد به آن، خواسته‌های خود را رد یا تأیید کرده است.

دکتر رجیبی در پاسخ به سؤالی مبنی بر این که دلایل علمی ادعای دست‌نشانده بودن هخامنشیان توسط قوم یهود چیست؟ گفت حدود ۱۳۰۰ سال قبل از این که قوم یهود بر سر زبان‌ها بیفتند، ما از هخامنشیان خبر داریم که البته این اطلاعات تنها براساس نوشته‌های هرودوت نیست بلکه براساس کتیبه‌ها و دست‌آوردهای باستان‌شناختی است.

وی افزود: اگر این مطلب را هم قبول نکنیم بایستی اذعان کرد، در نوشته‌های شاهنشاهان آشور از ۱۵۰۰ قبل از میلاد درباره هخامنشیان اطلاعات و مستندات وجود دارد، پس چطور قوم یهود سرگردان و آواره آن زمان که هنوز قدرتی نداشته‌اند، در شرق ایران موفق به تأسیس سلسله هخامنشیان شده‌اند.

این نویسنده در ارتباط با ادعای ناصر پورپیرار مبنی بر این که مورخان مدرکی ندارند تا جواب گفته‌های مرابدهند، تصریح کرد: او راست می‌گوید جواب آدم بی‌اطلاع را دادن مشکل است.

وی ادامه داد: پورپیرار نوشته‌ای به اسم "سرزمین شهیر بازار" دارد که در آن ایران باستان را به عرش‌علی رسانده است. من در باطن پورپیرار را به خاطر خدمات به دنیای نشر می‌ستایم، ولی ایرانیانی که امروزه از دست وی خشمگین هستند باید بدانند که او خدمت فرهنگی زیادی در عرصه نشر کتب تاریخ انجام داده و حتماً زخمی دارد که من نمی‌دانم چیست؟

دکتر پرویز رجیبی در پایان پیرامون تأثیرات چاپ این کتاب در برهه حاضر گفت:

انتشار ۱۲ قرن سکوت، تأثیر مثبت و منفی را با خود به همراه دارد، مثبت از آن جهت که کارشناسان و محققان امروزه شروع بحث در این زمینه نموده‌اند و منفی از آن جهت که تمام حرف‌ها و ادعاهای این کتاب بی‌پایه، ناروا و بدون سند است.